

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۲۹ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

شایسته‌سالاری طالبانی و سرافکنندگی ملی

خبر خجالت‌آوری را که در باره غرق شدن شناگر افغان در مسابقات روسیه پخش شد همه شنیدیم و از آن احساس سرافکنندگی کردیم. رخ دادن اشتباه یا حتی اتفاق افتادن شکست بازی‌گران در مسابقات ملی یا بین‌المللی امری طبیعی است و کسی به آن اعتراض ندارد. اما این‌که کسی بدون آشنائی حرفه‌ای با یک رشته به عنوان چهره ملی انتخاب و به مسابقات بین‌المللی گسیل شود پرده از واقعیت تلخی بر می‌دارد و آن از میان رفتن کامل اصل شایسته‌سالاری و فقدان معیارها و سازوکارهای این کار است. این یعنی در حاکمیت طالبان چیزی به نام شایسته‌سالاری به رسمیت شناخته نمی‌شود و به جایش چیزی حاکم است که به اصطلاح محلی "اندیوال‌بازی" گفته می‌شود و معادل رفیق‌بازی، خویش‌خوری و قومپرستی است.

نظام طالبان مانند دیگر نظام‌هایی که شیرازه‌شان را یک ایدئولوژی بسته و متحجر تشکیل می‌دهد، نمی‌تواند به شایسته‌سالاری تن بدهد. نظام‌های سلطه‌ای با این ویژگی‌ها تنها به سربازان سرسپرده، دنباله‌روان مخلص و نوکران وفادار اهمیت می‌دهند و در آن‌ها، جز به سختی، جایی برای انسان‌های توانا، استعداد‌های درخشان، نیروهای متخصص، شخصیت‌های با تجربه، دیوان‌سالاران کهنه‌کار، و چهره‌های مسلکی نیست. چنین نیروهایی به کار نظام‌ها و ساختارهایی می‌آیند که به منافع ملی یک کشور متعهد باشند، نه به آرمان‌های ایدئولوژیک یک گروه، آن‌هم گروهی متعصب و افراطی با پیشینه‌ای گره خورده با جنگ و تفنگ، و متکی به سربازان چشم و گوش‌بسته.

چرا شایستگی به سود گروه‌های ایدئولوژیک افراطی نیست؟ برای این‌که شایستگی برخاسته از توانائی‌های افراد است نه از وفاداری‌های حزبی یا سرسپردگی‌های گروهی و کسانی که صاحب چنین شایستگی‌هایی باشند دارای عزت نفس و غرور مثبت اند و در برابر رهبران و زورمندان سر خم نمی‌کنند و به کارهای خلاف اصول و ضوابط تن نمی‌دهند. شخصیت‌های شایسته و توانا به ارزش‌های مسلکی خود تعهد دارند و تسلیم قانون‌شکنی‌ها و بی‌انضباطی‌ها نمی‌شوند، و طبعاً چنین کسانی از نظر نظام‌های چاپلوس‌پرور و تملق‌پسند چهره‌هایی مطلوب به شمار نمی‌روند.

در افغانستان هیچ گاه شایسته‌سالاری به نحوی که باید جا نیفتاد، اما در دوره‌هایی که ثبات نسبی برقرار بود و نظام‌های حاکم از ظرفیت بیشتر و بهتری برخوردار بودند، مثلاً دههٔ دموکراسی، زمینهٔ بروز استعدادها و درخشش توانایی‌ها برای شمار بیشتری فراهم آمده بود، و در دوران جمهوریت نیز، علی‌رغم فساد و نارسائی‌های دیگر، تا حدی زمینهٔ ظهور افراد شایسته مساعد بود. اما در دوره‌هایی که نظام‌های تک‌حزبی حاکم شدند و از همه بدتر در دوران طالبان، شایستگی جای خود را به سرسپردگی داده و اندیوال‌بازی جای شایسته‌سالاری را اشغال کرده است.

از افغانستان امروز یک‌یک انسان‌های متخصص و آگاه در حال فرار و یا در صدد فرارند، و آن تعداد محدود از انسان‌های شایسته که هنوز تاب آورده و قصد تداوم فعالیت در عرصه‌های تخصصی خود را دارند زیر فشارند، زیرا نه سخن‌شان شنیده شود و نه به تخصص‌شان ارجی نهاده می‌شود. جایی که وزیر تحصیلات عالی‌اش معیار ارزش‌دهی را میزان مشارکت در جنگ و سهم‌گیری در ویران‌گری بداند، می‌توان وضعیت شایسته‌سالاری را بروشنی دریافت. با تداوم این حاکمیت باید منتظر رسوائی‌های بیشتری، از قبیل آنچه در روسیه برای آن شناگر اتفاق افتاد، باشیم و برای خجالت‌های بیشتر آماده شویم.